

حق بهرمندی از محاکمه عادلانه به این معنا است که: (۱) هر شهروندی که مورد تعدی قرار گرفته، حق دارد آزادانه در يك دادگاه صالح درخواست احقاق حق کند. (۲) هر شهروندی که در معرض اتهام قرار دارد باید بتواند در يك دادگاه بی‌طرف و مستقل از خود دفاع نماید. این حق، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیونهای جهانی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، قوانین اساسی و حتی قوانین عادی کشورها مورد تایید قرار گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بویژه در اصول ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ به زیباترین و کاملترین شکل ممکن از این حق دفاع کرده است. قوانین عادی کشور نیز در این جهت گامهای مثبتی برداشته است. بنابراین، در این مورد با خلاء قانونگذاری خاصی مواجه نیستیم. چیزی که هست در برخی موارد، شهروندان در راه رسیدن به این حق با موانعی برخورد می‌کنند. در این مقاله، ضمن بیان این موانع، برای رفع آنها پیشنهادهایی مطرح شده است.

۱. مقدمه

حق بهرمندی از محاکمه عادلانه را می‌توان به شرح زیر معرفی کرد:

الف - اگر شهروندی مورد تعدی و تجاوز و یا ظلم و ستم قرار گرفت، حق دارد بتواند آزادانه و بدون هیچ رادع و مانعی به يك دادگاه صالح و مستقل و بی‌طرف مراجعه و درخواست احقاق حق و رفع ظلم نماید.

ب - چنانچه شهروندی در معرض اتهام قرار گیرد، باید بتواند در يك دادگاه مستقل و بی‌طرف آزادانه از خود دفاع کند.

برای این دفاع نباید محدودیت خاصی وجود داشته باشد.

اگر ابزار و اندیشه دفاعی او مورد توجه قرار نگیرد و دلایل کافی و منطقی بر توجه اتهام وجود داشته باشد که برای دادرسان اقتناع وجدانی به وجود آورد و در مقام صدور حکم حکومت‌برآیند، باید تنها مجازات از پیش تعیین‌شده در قانون مورد حکم قرار گیرد و با رعایت حیثیت و کرامات انسانی اجرا شود.

هدف از اجرای مجازات نباید تحمیل شکنجه و درد و عذاب برای محکوم‌علیه باشد.

مجازات در مرتبه نخست‌باید موجبات اصلاح و تنبه بزهدار را فراهم کند و در مرحله بعد بتواند برای او توان زندگی سالم در اجتماع را به ارمغان آورد.

۲. متون و مستندات

حق بهرمندی از محاکمه عادلانه با توجه به اهمیت و ارزش فراوانی که دارد و باید هر شهروندی از آن بهره‌مند گردد، در بسیاری از اعلامیه‌های حقوق بشر و کنوانسیونهای جهانی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی عنوان گردیده است و در قوانین اساسی و حتی عادی همه کشورها نیز مورد تایید و تاکید قرار گرفته و می‌گیرد.

از جمله:

الف - در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م.

مطابق با ۱۹ آذرماه ۱۳۲۷ه.ش.

آمده است: «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعایش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه کرده باشد، اتخاذ تصمیم نماید.»

ب - در بند ب ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره)، مصوب چهاردهم محرم ۱۴۱۱ه.ق.

مطابق با ۵ اوت ۱۹۹۰م.

می‌خوانیم: «...مراجعه و پناہ بردن به دادگاه، حقی است که برای همه تضمین شده است...» و نیز در بند «ه» همان ماده تأکید شده است بر اینکه: «متهم، بی‌گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد، ثابت گردد.»

ج - در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ م.

مذکور است: «همه در مقابل دادگاهها و محاکم دادگستری برابر هستند.»

هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در يك دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف تشکیل شده، طبق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات امور مدنی اتخاذ تصمیم نماید...»

د - اصول ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ندای جهانی حق بهره‌مندی از يك محاکمه عادلانه پاسخ مثبت گفته و اصول کلی آن را به زیباترین و کاملترین شکل ممکن بیان نموده است و با الهام از منبع فیاض فقه و منبع وحی همه آنها را به کمال رسانده است.

ه - قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران نیز در جهت هرچه بهتر بارور شدن اصول بهره‌مندی از حق محاکمه عادلانه قدمهای بسیار مثبتی برداشته و به نوبه خود قواعد جالب توجهی انشا کرده است تا راه هر نوع تعدی و تجاوز قانونی و عملی به حق یادشده مسدود گردد که هر يك در جای خود بیان خواهد شد.

۳. شرایط بهره‌مندی

برای امکان برخوردار شدن از حق بهره‌مندی از يك محاکمه عادلانه، وجود شرایط و امکانات زیر ضروری است:

۱ - وجود تعداد کافی دادگاه مستقل: برای بهره‌مندی از محاکمه عادلانه وجود دادگاههای مستقل، نخستین شرط به شمار می‌آید.

مراجع قضایی کشورها باید به اندازه‌ای توسعه و گسترش یابند که به سهولت، آمادگی رسیدگی و احقاق حق را داشته باشند و بتوانند به هر دعوی، شکایت و اتهام در اسرع وقت رسیدگی، احقاق حق، فصل خصومت و یا اجرای عدالت کنند.

برای تحقق بخشیدن به این امر در سازمان دادگاهها، اصول خاص دادرسی عادلانه باید حاکمیت داشته باشد.

نادیده گرفتن هر يك از این اصول، ممکن است حق بهره‌مندی را متزلزل نماید.

اصول حاکم بر دادگاهها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اصول مربوط به سازمان و نیروهای انسانی دادگاههای رسیدگی‌کننده و اصول مربوط به تضمین حقوق اصحاب دعوی و خصوصاً متهم.

الف - اصول مربوط به سازمان و نیروهای انسانی دادگاههای رسیدگی‌کننده:

آنچه که در این رهگذر برای يك دادرسی عادلانه ضرورت دارد عبارتند از:

اول: حضور فعالانه دادرسان مستقل، بی‌طرف، متخصص و داناداشتن تخصص، عدم آشنایی کامل دادرسان با قوانین و موازین قضایی و مستقل‌نبودن و تابع امر و نهی قرار داشتن آنان، ارکان دادرسی عادلانه را متزلزل می‌کند.

برای پیاده‌کردن این اندیشه باید در تامین نیروی انسانی دادگاهها نهایت دقت به عمل آید و شایستگی فرد فرد قضات ارزیابی و از طرف شورای عالی صالح قضایی مورد تأیید قرار گیرد.

در تشکیل دادگاهها دو روش می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱. روش وحدت قاضی ۲. روش تعدد قاضی

نظام وحدت قاضی، يك روش كم‌خرجی است و از این حیث برای کشورهای که درآمد کافی ندارند راهکار مناسبی به شمار می‌آید.

اما دارای این عیب مهم است که قاضی واحد به سهولت مرتکب اشتباه می‌شود و به آسانی می‌توان او را مورد تهدید و یا تطمیع قرار داد و از این لحاظ برای تامین امنیت قضایی نمی‌تواند مطلوب باشد.

سیستم تعدد قاضی هرچند روش پرخرجی است، اما در برابر، این مزیت را دارد که اشتباهات قضایی را به حداقل ممکن می‌رساند.

بعلاوه، هیاتی از قضات را نمی‌توان به سهولت مورد تهدید و یا تطمیع قرار داد.

اضافه بر آن، رایبی که به وسیله هیاتی از قضات صادر می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

افراد جامعه و طرفین دعوی و حتی خود محکوم علیه نسبت به آن با دیده احترام می‌نگرد.

به این لحاظ لاقلاً جرایم مهم باید به وسیله هیاتی از قضات مورد رسیدگی قرار گیرد.

خوشبختانه در کشور ما طبق قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در دادگاههای تجدیدنظر استان روش تعدد قاضی پیش‌بینی شده است و امید است این امر طلیعه خوبی باشد برای پذیرش روش تعدد قاضی در کلیه دادگاهها و یا لاقلاً برای جرایم مهم و انشای مجازاتهای سنگین.

دوم: صلاحیت نسبی

هر قاضی با توجه به میزان سابقه خدمت و توان فکری و عملی می‌تواند به پرونده‌ها رسیدگی کند.

تقسیم پرونده‌ها بین قضات به صورت مساوی بدون سبک و سنگین کردن آنها و احراز توان قاضی رسیدگی‌کننده، اساس محاکمه عادلانه را متزلزل می‌کند.

باید ترتیبی اتخاذ گردد تا به موجب قانون، پرونده‌های مستلزم کیفرهای سنگین مانند: اعدام، صلب، رجم و قطع، به وسیله قضاتی مورد رسیدگی قرار گیرد که توان علمی و سابقه قضایی قابل قبولی داشته باشند.

از این لحاظ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب باید اصلاح گردد.

ب - اصول مربوط به تضمین حقوق اصحاب دعوی، بویژه متهم.

اول: اصول مربوط به تضمین حقوق شاکی

در يك دادرسی عادلانه، شاکی و یا مدعی خصوصی باید از حقوق زیر بهره‌مند گردد:

تعقیب جرایم قابل گذشت، منوط به شکایت متضرر از جرم باشد و گذشت او سبب موقوفی تعقیب گردد.

گذشت‌شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت از کیفیات مخففه به شمار آید.

پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی از شرایط اعطای آزادی مشروط، قرار تعلیق تعقیب و حکم مجازات تعلیقی شناخته شود.

شاکی خصوصی باید بتواند ضرر و زیان خود را مورد مطالبه قرار دهد و حق اعتراض نسبت به قرارهای موقوفی تعقیب، منع تعقیب و حکم برائت داشته باشد.

خوشبختانه تمامی این حقوق و مزایا در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران مورد شناسایی قرار گرفته و از این پیشه جرات می‌توان گفت که قوانین جمهوری اسلامی نه تنها با اعلامیه‌های حقوق بشر سازمان ملل متحد و اعلامیه قاهره و میثاق حقوق مدنی و سیاسی تطبیق کامل دارد، بلکه می‌تواند سرمشق و الگوی خوب و کاملی برای سایر کشورها نیز باشد.

دوم: اصول مربوط به تضمین حقوق متهم

حق داشتن وکیل مدافع، امکان انتخاب وکیل تسخیری، علنی بودن دادرسیها، شرکت هیات منصفه در جرایم مطبوعاتی و سیاسی، نظارت دیوان عالی کشور بر حسن اجرای قوانین، قابل تجدیدنظر بودن بعضی از احکام، قابل واخواهی بودن احکام غیابی، تفهیم اتهام و تذکر به اینکه مواظب اظهارات خود باشد، ممنوعیت دوبار مجازات به خاطر يك عمل، تعبیر و تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم، حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها و اصل برائت و...

از جمله اصول مهم و شناخته شده دادرسیهای عادلانه است که در قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به تفصیل و با ژرفنگری بیان شده است و لزومی به تکرار آنها وجود ندارد.

۴. پیشنهادها

چنانچه ملاحظه شد در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران بسیاری از اصول مهم و شناخته شده دادرسیهای عادلانه در قوانین موضوعه را پیش‌بینی کرده است و از این حیث می‌توان گفت کلیه اصول موجود در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و کنوانسیونهای بین‌المللی در قوانین مصوبه داخلی وجود دارد و با خلاء تقنینی خاصی مواجه نیستیم، مع الوصف در بعضی موارد، ابهام و اجمال قوانین سبب می‌شود که دادرسی عادلانه مورد تردید قرار گیرد.

این موارد ولو اندک باید مورد توجه و اصلاح قرار گیرد.

از جمله:

۱ - چون در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله دادرسی تفکیک نشده است و معیاری نیز برای این تفکیک وجود ندارد، در نتیجه، حقوق شهروندان و مراجعین به دادگستری و مخصوصا متهم از دو لحاظ تضییع می‌گردد:

الف - از لحاظ شرکت وکیل مدافع در دادرسیهای جزایی که در مرحله تحقیقات مقدماتی اجباری نبوده و وکیل، فعالیت دفاعی مهمی به عهده ندارد.

اما در مرحله دادرسی در بعضی موارد شرکت وکیل اجباری است و باید فعالیت دفاعی مهمی داشته باشد.

ب - از لحاظ زمان علنی بودن دادرسی، که در مرحله تحقیقات مقدماتی سری و در مرحله دادرسی علنی است.

در این دو رهگذر با عنایت به ابهام و اجمال قوانین يك نوع استبداد قضایی حاکمیت یافته است.

در نتیجه، نحوه شرکت وکیل مدافع و علنی یا سری بودن رسیدگی به نظر حاکم دادگاه بستگی دارد.

۲ - در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، هیات منصفه در مرحله دادرسی در دادگاه اظهار نظر می‌کند.

اما می‌دانیم پرونده امر تا به مرحله دادگاهی برسد، به عنوان تحقیقات مقدماتی و به بهانه اخذ تamin، متهم مطبوعاتی دور از نظر هیات منصفه بازداشت می‌شود.

باید ترتیبی اتخاذ گردد که اخذ تamin از متهم در جرایم مطبوعاتی و حتی در جرایم سیاسی با نظر هیات منصفه صورت بگیرد والا نظر نویسندگان قانون اساسی تamin شده به شمار نمی‌آید.

۳ - با تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و انحلال دادرشاهای عمومی و انقلاب و از بین رفتن صلاحیت نسبی کیفری، این مشکل به وجود آمده است که قضات جوان و کم‌تجربه در ابتدای کار به پرونده‌های مهم و مستلزم مجازاتهای سنگین رسیدگی می‌کنند.

پیشنهاد مشخص من این است که برای رسیدگی به پرونده‌های مستلزم مجازات اعدام، صلب، رجم، قصاص نفس و اطراف و قطع باید قاضی رسیدگی‌کننده حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت قضایی داشته باشد.

۴ - انحلال دادرشاهای و فقدان يك نهاد تعقیب سبب شده است که پی‌گرد بسیاری از جرایم با اشکال مواجه شود و سازمان و یا مقامی که خود را مکلف و موظف به این امر بداند و با علاقه‌مندی در صدد تعقیب جرایم برآید وجود ندارد. تاسیس يك نهاد تعقیب مورد پیشنهاد است.

۵ - آزادی مراجعه به دادگاه زمانی وجود خواهد داشت که شهروند بتواند بدون رادع و مانع به آن مراجعه کند.

اگر برای این مراجعه مانعی وجود داشته باشد، حق مراجعه متزلزل می‌شود.

پرداخت هزینه، نوعی مانع به شمار می‌آید.

با توجه به توضیح فوق، پرداخت هزینه برای شکایت کیفری و اعتراض به محکومیت‌های جزایی به نحو مقرر در بعضی از قوانین، توجیهی ندارد و باید مورد اصلاح قرار گیرد.

مخصوصاً هزینه اعتراض به محکومیت‌های جزایی جدا باید از بین برود.

۶ - تجدید نظرخواهی به نحو مقرر در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، قلمرو گسترده‌تری پیدا کرده است.

گرچه تجدید نظرخواهی فی حد نفسه يك امر مطلوب است، اما نباید به اندازه‌ای گسترش یابد که قطعیت احکام را متزلزل نماید.

۷ - تعزیرات حکومتی به نحو و شکل موجود در جمهوری اسلامی ایران، دادگاه به معنای واقعی حکم نیست.

صادرکنندگان رای در این سازمان نیز قاضی به شمار نمی‌آیند، رتبه قضایی ندارند، کارآموزی قضایی نمی‌بینند، مستقل نیستند و تابع نظر مقامات بالاتر می‌باشند و با این کیفیت مجازات‌های سنگین هم مورد حکم قرار می‌دهند که محتوای آنها از نظارت دیوان عالی کشور نیز خارج است.

وجود این نوع نهادها حق بهره‌مندی از يك محاکمه عادلانه را نابود می‌سازد. (نویسنده: دکتر محمود آخوندی)